



طلیحه

ششمین پیشوای شیعیان جهان امام صادق (ع) در ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ هجری قمری در شهر مدینه به دنیا آمد. پدر بزرگوارش حضرت امام محمد باقر (ع) و مادر ارجمنده ام فروه، دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر است.

نام مبارکش جعفر، کنیه اش ابو عبدالله و ابو اسماعیل، و القاب شریف

آن گرامی؛ صادق، صابر، فاضل و طاهر است.^۱

حضرت صادق (ع) امامت خود را همزمان با شهادت پدرش حضرت باقر (ع) از سال ۱۱۴ هجری قمری آغاز کرد و در عصر حکومت خلفای ستمگر اموی به ترتیب: هشام بن عبدالملک، ابراهیم بن ولید، مروان بن محمد و پس از انقراض سلسله امویان، در عصر عبدالله سفاح و

۱. کشف القمّة، علی بن عیسیٰ اربلی، مکتبة بنی هاشم، تبریز، ج ۲، ص ۱۵۴.

و بر فراگیر بودن آن تأکید شده است، مفهومی پربار، امیدآفرین و نشاط انگیز دارد.

خداوند با تأکید فراوان به گسترش عدالت اجتماعی و سیاسی در لایه‌های گوناگون جامعه اسلامی عنایت ورزیده است و به اهل ایمان فرمان می‌دهد: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ**»^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، مبادا دشمنی با گروهی، شما را به ترک عدالت [و انصاف] متمایل کند. عدالت پیشه کنید که به تقوا نزدیک است و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید با خبر است.»

امام صادق علیه السلام درباره الگوی مدیران حکومت اسلامی، یعنی حضرت

منصور دوانیقی از خلفای عباسی، رهبری اهل ایمان را به عهده گرفت.

آن پیشوای مذهب آزادگان، پس از انجام وظایف امامت، در سال ۱۴۸ هجری قمری در سن ۶۵ سالگی به دست منصور دوانیقی، دومین خلیفه عباسی مسموم شد و در مدینه منوره به شهادت رسید و پیکر مطهرش در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

آن رهبر فرزانه در طول ۳۴ سال امامت بسا برکت خویش، نقش ارزنده‌ای در گسترش فرهنگ متعالی اسلام ایفا کرد. در این فرصت به مناسبت شهادت آن گرامی، به برخی رهنمودهای رهبر دوراندیش مذهب جعفری در ارتباط با ویژگیهای مدیران دولت اسلامی می‌پردازیم.

عدالت‌محوری

از اوصافی که می‌توان برای یک مدیر مؤمن و شایسته مطرح کرد، اهتمام به عدالت اجتماعی و عدل‌محور بودن است. این واژه مقدس که در قرآن کریم و متون روایی اسلامی به طور گسترده، مطرح

امام ششم در این باره فرمود: «لَا يَتِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ»^۳ تنها شمشیر، مردم را استوار می‌گرداند.

آری در سایه مدیریت مدیران عدالت محور، باید اهل تقوا و انسانهای پاکدامن، در آسایش زندگی کنند و خائنان و افراد آلوده دامن در هراس به سر برند. به همین سبب، صادق آل محمد علیه السلام می‌فرماید: «حَدُّ يَقَامُ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ أَفْضَلُ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»^۴ اجرای یک مورد حد برای خدا در زمین بهتر از باریدن چهل روز باران خواهد بود.

در اینجا شایسته است که آن سخن تاریخی از مولای عدالت‌پیشگان را به یاد آوریم که به عبیدالله بن عباس - یکی از مدیران حکومت علوی، که از جاده صداقت و عدالت خارج شده و به بیت‌المال خیانت کرده بود - عتاب کرد و در آخر فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ فِعْلِكَ لَأَذَى

محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آن بزرگوار، چنان عدالت را در برنامه‌های مدیریتی خود به مرحله عمل درآورده بود که حتی لحظات خود را در جلسات عمومی در میان حاضران تقسیم می‌کرد و در نگاه خودش بین افراد، تبعیض قائل نبود.»^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله همواره می‌فرمود: «وَأَمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ»^۲ من مأمور شده‌ام که عدالت را میان شما برقرار سازم.

قاطعیت در اجرای عدالت

اساساً یک مدیر عادل، همزمان با اجرای عدالت در تمام ابعاد آن، ناچار است برای اجرای عدالت با مفسدان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مروجان فساد، فحشا و بی‌بندوباری، بر هم زندگان عزت و استقلال کشور و سایر موانع عدالت مقابله کند.

۳. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۲.
۴. وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۱۳.

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ج ۲۸، ص ۱۲.
۲. شوری/ ۱۵.

دولتمردان و مدیرانی که
 کانون مهر و محبت و
 رحمت‌اند و با گشاده‌رویی
 و اشتیاق تمام به خدمت
 مردم می‌پردازند، در قلب
 جامعه و در دل انسانها
 جای دارند.

یک کارگزار و مدیر با ایمان در
 جامعه اسلامی، این نوای ملکوتی
 ششمین پیشوای شیعیان جهان را با
 گوش جلال می‌شنود و نصب العین
 خود قرار می‌دهد که: «أَيُّهَا مُؤْمِنُ نَفْسٍ
 عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةٌ وَهُوَ مُغْسِرٌ بِسَرِّ اللَّهِ لَهُ
 حَوَائِجُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ
 عَلَى مُؤْمِنٍ عَوْرَةً يَخَافُهَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ
 سِتِّينَ عَوْرَةً مِنْ عَوْرَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ
 فِي عَوْنِ أَخِيهِ فَانْتَفِعُوا بِالْعِظَةِ وَارْغَبُوا
 فِي الْخَيْرِ^۲ هر مؤمنی گرفتاری مؤمنی

فَعَلَتْ مَا كَانَتْ لَهَا عِنْدِي هَوَادَةٌ وَ لَنَا
 ظَفِيرًا مِثِّي بِإِرَادَةٍ حَتَّى أَخَذَ الْحَقُّ مِنْهُمَا؛^۱
 به خدا سوگند! اگر حسن و حسین
 چنان می‌کردند که تو انجام دادی از
 من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو
 نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آنان باز
 پس ستانم.»

اشتیاق به خدمت

دولتمردان پیرو مذهب جعفری علیه السلام
 همواره خود را در مقابل مشکلات
 مردم، مسئول می‌دانند و برای رفع
 نیازها و گرفتاریهای اهل ایمان با تمام
 وجود اقدام می‌کنند.

آنان ریاست و منصب دولتی را
 هرگز به عنوان یک طعمه چرب و نرم
 حساب نمی‌کنند؛ بلکه فرصت و
 وسیله‌ای برای احقاق حقوق محرومان
 و مستضعفان جامعه می‌شمارند و
 تلاش می‌کنند تا زمانی که مشکل
 برادر دینی و ایمانی خود را حل
 نکرده‌اند، به آسایش و راحتی خود
 نیندیشند.

۲. الکافی، باب تفریح کرب المؤمن، ح ۵.

۱. نهج البلاغه، نشر ائمه، نامه ۴۱.

تَعَاظِفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا
 كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ؛^۱
 بر مسلمانان شایسته است که در
 پیوستن کوشش کنند و در مهرورزی و
 عطوفت نسبت به یکدیگر مشارک و
 همکاری کرده و مواسات نسبت به
 حاجتمندان داشته باشند. و عطوفت
 آنان نسبت به هم به گونه‌ای باشد که
 خداوند در قرآن شما را به آن امر کرد
 و فرمود: مؤمنین با همدیگر مهربانند. «
 در حقیقت، خدمت به برادران
 دینی بالاترین عبادتی است که هیچ امر
 خیرری به درجه آن نمی‌رسد. آن
 گرامی فرمود: «خداوند متعال به چیزی
 همانند گام برداشتن در راه خدمت و
 نیکی به برادران دینی عبادت نشده
 است.»^۲

ساده‌زیستی و اجتناب از اشرافی‌گری
 مدیران شایسته در حکومت
 اسلامی، ساده‌زیستی را یک خصلت
 خداپسندانه و باعث رسیدن به کمالات

در سختی افتاده را برطرف کند،
 خداوند حوایج دنیا و آخرتش را آسان
 می‌گرداند و هر مؤمنی عیب مؤمنی را
 ببوشاند که [آن مؤمن] از آن می‌ترسد،
 خداوند ۷۰ عیب دنیوی و اخروی او
 را می‌پوشاند و تا زمانی که مؤمن در
 جهت یاری به برادرش باشد، خداوند
 او را یاری می‌کند. پس بوسیله موعظه
 و پند سود ببرید و در کار خیر رغبت
 داشته باشید.»

دولتمردان و مدیرانی که کانون مهر
 و محبت و رحمت‌اند و با گشاده‌رویی
 و اشتیاق تمام به خدمت مردم
 می‌پردازند، در قلب جامعه و در دل
 انسانها جای دارند. آنان با عمل
 پسندیده خود در روح و جان مردم
 نفوذ می‌کنند و پیوسته بر اثر لطف
 الهی از پشتیبانی مردم برخوردارند و
 عزت و احترام خواهند داشت.

امام صادق علیه السلام در پیام ارزشمندی
 به مدیران و آحاد جامعه اسلامی چنین
 توصیه فرمود: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ
 الْجَاهِدُ فِي التَّوَّاصِلِ وَالتَّعَاوُنُ عَلَى
 التَّعَاظِفِ وَالمُوَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَ

۱. همان، ج ۲، ص ۱۷۵، باب التراحم و التعاطف.

ح ۲.

۲. الف حدیث فی المؤمن، ص ۱۲۸.

از اوصافی که می‌توان برای
 یک مدیر مؤمن و شایسته
 مطرح کرد، اهتمام به
 عدالت اجتماعی و
 عدل محور بودن است. این
 واژه مقدس که در قرآن
 کریم و متون روایی
 اسلامی به طور گسترده،
 مطرح و بر فراگیر بودن آن
 تأکید شده است، مفهومی
 پر بار، امیدآفرین و نشاط
 انگیز دارد.

آن گرامی درباره ضرورت زندگی
 ساده و بی‌آلایش مدیران و رهبران
 جامعه اسلامی می‌فرمود: «فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
 أَنِّي وَأَجِدُ أَنْ أُطِيعَهُمُ الْحِنْطَةَ عَلَيَّ
 وَجُوهَهَا وَ لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَرَأَى اللَّهُ قَدْ
 أَحْسَنْتُ تَقْدِيرَ الْمَعِيشَةِ»^۲ خدا می‌داند

روح و ارتقای کیفی در انجام کارهای
 جامعه و خدمت به مردم می‌دانند.
 آنان همواره این اندیشه
 خداپسندانه را در ذهن خود
 می‌پروراند که مهم‌ترین راز و رمز
 توفیق رسول گرامی اسلام ﷺ و ائمه
 هدی ﷺ در جذب دلهای مشتاق
 سعادت، خصلت ساده‌زیستی و تواضع
 در برخورد با مردم بوده است.

آنان می‌دانند که: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
 فَرَضَ عَلَيَّ أَيْمَةَ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا
 أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ
 قَقْرَهُ»^۱ خداوند بزرگ بر پیشوایان عادل
 واجب کرده است که خود را با مردم
 ناتوان برابر قرار دهند تا تنگدستی،
 فرد مستمند را به طغیان و سرکشی
 وادار نکند.

امام صادق ﷺ دلدادگان به مظاهر
 دنیوی را مذمت کرد و فرمود: «مَلْعُونٌ
 مَلْعُونٌ مَنْ عَبَدَ الدُّنْيَا وَ الدَّرْهَمَ»^۲
 مشمول لعن و غضب خداست، کسی
 که بنده درهم و دینار باشد.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۷۰، باب الذنوب، ح ۹.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۶۶.

باری‌تعالی مسکن‌گزینی، باید دنیا [و مظاهر فریبنده آن] در نظر تو پست و خوار باشد. مرگ را نصب‌العین خود قرار بده [و برای خود در این دنیا] چیزی ذخیره نکن و بدان آنچه قبلاً از اعمال نیک در این دنیا برای جهان آخرت تقدیم داشته‌ای به حال تو سودمند خواهد بود و از کارهای نیک که انجام آنها را به تأخیر انداخته‌ای ضرر خواهی کرد.^۱

از منظر امام صادق علیه السلام یک مسلمان با ایمان با زندگی ساده، بی‌پیرایه و دل‌کندن از علایق دنیوی و زرق و برق آن، سعادت خود را در هر دو جهان تضمین می‌کند.

امام خمینی علیه السلام درباره ضرورت ساده‌زیستی مسئولان حکومتی می‌فرمود: مصیبت‌هایی که ملتها می‌کشند از این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان جامعه، در پی این هستند که ثروتشان را زیاد کنند.^۲

که من می‌توانم خانواده‌ام را با خرمای خوب اطعام نمایم [و به بهترین صورت زندگی کنم]؛ اما دوست دارم خداوند مرا در حال برنامه‌ریزی صحیح زندگی ببیند.

آری دلبستگی به دنیا علاوه بر اینکه مانع کمال‌انسان و باعث بدبینی عموم مردم است؛ باعث می‌شود تا یک مدیر در لذت‌های زودگر دنیا غوطه‌ور شود و از نوع محرومیت‌های طبقات نیازمند جامعه غافل باشد.

کارگزاران پیرو اهل بیت علیهم السلام هرگز این سخن گهربار امام صادق علیه السلام را فراموش نمی‌کنند که فرمود: «إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تُجَاوِرَ الْجَلِيلَ فِي دَارِهِ وَ تَسْكُنَ الْفِرْدَوْسَ فِي جَوَارِهِ فَلْتَهَنْ عَلَيْكَ الدُّنْيَا وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نُصَبًا عَلَيْكَ وَ لَا تَذْخِرْ شَيْئًا لِقَدْرٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ لَكَ مَا قَدَّمْتَ وَ عَلَيْكَ مَا أَخَّرْتَ؛^۱ اگر دوست داری که در درگاه الهی با خدا هم‌نشین شوی و در بهشت در جوار حضرت

۲. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام، نشر مؤسسه تنظیم آثار امام علیه السلام، تهران، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۴۴۳.

۱. تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، نشر جامعه مدرسین، ص ۳۰۴ و بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفا، ج ۷۵، ص ۲۸۱.

ساده باشد؛ همان گونه که سران اسلام و پیغمبر اسلام ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ و ائمه ما ﷺ زندگی شان ساده و عادی بود؛ بلکه پایین تر از عادی»^۲

امانتداری و صداقت

از مهم ترین نیازهای عصر ما میان آحاد جامعه به ویژه متولیان امور حکومتی، تقویت و ترویج خصلتهای زیبای امانتداری و راستگویی است؛ زیرا فراگیر شدن پدیده دروغ، خیانت، دورویی و نفاق آثار و تبعات منفی و ناشایستی در جامعه دارد و لازم است که در عزل و نصبهای مدیران، این ویژگیها با کمال جدیت پیگیری، و تشویق و تنبیه افراد به طور شفاف با این معیارهای پسندیده انجام شود.

باید افراد چاپلوس، دروغگو و خیانت پیشه طرد، و انسانهای امین و درستکار شناسایی شوند و در مصدر امور قرار بگیرند. آشکار کردن آثار و برکات امانتداری و صداقت، آموزش عملی و تشویق انسانهای امین و

مدیران شایسته در حکومت اسلامی، ساده زیستی را یک خصلت خداپسندانه و باعث رسیدن به کمالات روح و ارتقای کیفی در انجام کارهای جامعه و خدمت به مردم می دانند.

آن بزرگوار در فراز دیگری از سخنانش خطاب به دولتمردان و روحانیان صاحب منصب کشور می فرماید: «اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می شوید»^۱

«شما گمان نکنید اگر با چندین اتومبیل بیرون بیاید و جهت آن نزد مردم بزرگ می شود. آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است این است که زندگی شما

۱. همان، ج ۱۷، ص ۴۵۳.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۳۱۸.

صادق، و معرفی الگوهای پاکدامنی و راستی، مهم‌ترین نیاز جامعه به ویژه در سطح مدیران است.

امام صادق علیه السلام در بیان معیار انتخاب افراد می‌فرماید: «لَا تَقْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رِيْمًا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّىٰ لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَ لَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ»^۱ به نماز و روزه افراد فریفته نشوید؛ چه بسا که شخصی به نماز و روزه عادت کرده و ترک آن برایش وحشت‌آور و آزار دهنده است؛ بلکه آنها را در مقام راستگویی و امانتداری آزمایش کنید.

پستهای دولتی در حکومت اسلامی، امانتهایی بس حساس و ارزشمندند و خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»^۲ «خداوند متعال به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به اهلش بسپارید.»

بنابراین ویژگی امانتداری و راستگویی باید در اوصاف مدیران جامعه اسلامی با تمام وجود، دنبال، و منصبهای حکومتی به عنوان امانتهایی گرانسنگ به اهلش واگذار شود.

امام صادق علیه السلام درباره انتخاب علی علیه السلام به عنوان جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیشوایی امت اسلام به این دو صفت اشاره می‌کند و به یار وفادارش عبدالله بن ابی یعفور پیام می‌دهد که ای عبدالله! جعفر بن محمد به تو سلام می‌رساند و یادآور می‌شود: «أَنْظِرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَالزَّيْمَةُ فَإِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَام إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ»^۳ به ویژگی‌های علی علیه السلام در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بنگر و به آنها ملتزم شو! براستی علی علیه السلام به وسیله راستگویی و امانتداری به آن ویژگی‌ها در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رسید.

۳. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، نشر رضی، قم، ص ۱۰۰، فصل ۵۶ و امالی، صدوق، نشر کتابخانه اسلامی، ص ۳۰۳، مجلس ۵۰.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲. نساء، ۸.

الْفُرُوجِ وَإِنْ حَفِظَ اثْنَيْنِ وَضَمَّ وَاحِدَةً
فَلَيْسَ بِأَمِينٍ؛^۱ شخص را نمی‌توان امین
به حساب آورد مگر آن که در سه چیز
امانتداری خود را انجام دهد: بر اموال،
اسرار و ناموس [مردم]. و اگر دوتای
اینها را حافظ باشد و یکی را ضایع
کند، امین نیست.»

حسن خلق، استقامت و پایداری،
عظمت نفس، ولایت‌پذیری،
شهرت‌گریزی، اجتناب از اعمال
ریایی، رسیدگی به خانواده، رعایت
ادب در معاشرت با افراد، دوری از
مجالس گناه، تلاوت قرآن و استفاده از
فرصتها از دیگر ویژگیهای شیعیان،
خدمتگزاران و مسئولان جامعه اسلامی
از منظر امام صادق علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام در گفتاری چنین
هشدار می‌دهد: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ
صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ وَ
الْمَعْرُوفِ وَضَطَّتِهِمْ بِاللَّيْلِ أَنْظُرُوا إِلَى
صِدْقِ الْحَدِيثِ وَآدَامِ الْأَمَانَةِ؛ نگاه
نکنید به بسیاری نماز و روزه و حج و
کارهای نیک و دعا و زمزمه‌های شبانه
افراد! نگاه کنید به راستگویی و
امانتداری مردم.»^۱

از منظر پیشوای صادق علیه السلام
امانتداری، ۳ مرحله دارد و کسی را
نمی‌توان امین به حساب آورد؛ مگر
اینکه در این ۳ مرحله، امانتداری خود
را اثبات کند: در حفظ اموال، حفظ
اسرار و رازهای پنهانی و پاسداری از
ناموس مردم. اگر فردی ۲ مورد را
رعایت کند؛ اما در یکی دیگر از عهده
برنیايد، امین نخواهد بود.

آن حضرت در این باره فرمود: «لَا
يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا حَتَّى يُؤْتَمَنَ عَلَى
ثَلَاثَةٍ فَيُؤَدِّيَهَا عَلَى الْأَمْوَالِ وَالْأَسْرَارِ وَ

۲. مستدرک سفينة البحار، علی نمازی شاهرودی،
نشر اسلامی، ج ۱، ص ۲۲۳ و بحار الانوار، ج ۷۵،
ص ۲۲۹.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴، باب الصدق و اداء
الامانة، ح ۵.